

## قانون ناصری و جامع ناصری

### و رسائلی در عقاید اجتماعی

در دومین کنگره تحقیقات ایرانی که در شهریور سال ۱۳۵۰ در شهر مشهد برگزار شده است درباره جامع ناصری شیخ سیف‌الدین عالی استرآبادی (۱۲۴۲-۱۳۱۸) سخن راندم.<sup>۱</sup> در آن هنگام نگارنده از نسخه‌های این دو کتاب که در کتابخانه شاهنشاهی کاخ گلستان نگاه‌داری می‌شود آگاه بودم، و آن دورا در آن گفتار شناسانده‌ام و درباره قانون‌گذاری ناصرالدین سخن داشته‌ام. چون پس ازین به نسخه‌های دیگر از آن دو برخوردیم آنها را در اینجا می‌شناسانم زیرا هر دو از رسالات مهم برای تحقیق در اندیشه اجتماعی و سیاسی عصر ناصری است.

از جامع ناصری نسخه دیگری نزد آقای مدرسی چهاردهی بود که او را به استاد شادروان مجتبی مینوی بخشید و من آنرا نزد آن دانشمند دیده‌ام. این یکی نسخه اصل و نوشته دست خود مؤلف است و از این رهگذر بسیار ارزنده است.

از قانون ناصری تا کنون به چهار نسخه دیگر برخوردیم و چنانکه خواهیم دید بایستی نسخه‌های فراوانی از آن در خانه‌ها باشد.

از این پنج نسخه که من می‌شناسم نسخه شاهنشاهی کاخ گلستان به نستعلیق

---

۱- گفتارم در جلد دوم مجموعه سخن‌رانیهای دومین کنگره تحقیقات ایرانی در سال ۱۳۵۲ در شهر مشهد ص ۵۰۳ - ۵۲۵ چاپ شده است.

سده ۱۳ و ۱۴ و نسخه آستان رضوی نوشته ۱۳۰۰ است و گویا این دو دو مین تحریر باشند.  
در آغاز نسخه شاهنشاهی آمده است که در آغاز سال ۱۳۰۰ آینی آمده است  
که وضع قانون باید از سوی ناصرالدین شاه باشد. پس این هم بایستی در ۱۳۰۰  
یا ۱۳۰۱ نوشته شده باشد.

ولی سه نسخه دیگر گویا باید تحریر نخستین باشد و چنین می توان پنداشت  
که انصاری نخست همان رساله دوم یا بخش دوم را در ۵-۱۲۸۴ نوشته (نسخه  
مهدوی) و سپس در ۱۳۰۰ یا اندکی پیش از آن را در خاتمه رساله نخستین گذارده  
است. چه او در آغاز نسخه شاهنشاهی می نویسد: «چون از اول سنه هزار و سیصد  
هجری همیشه این خیال در خاطر خلیجان داشت ... لهذا بر حسب امر قدر قدر  
ملو کانه شروع به تألیف و تدوین این کتاب مستطاب میشود بعون الله الملك الوهاب»  
این نسخه سپس مانند نسخه آستان رضوی آغاز میشود و چنین است انجام آن:  
«و وقت عزیز خود را در معرض تلف نگذارد».

نسخه آستان رضوی دارای ده باب است ولی نسخه شاهنشاهی يك مقدمه و  
هشت باب دارد (ص ۱-۵۶) و يك خاتمه (ص ۵۷-۱۲۴) که گویا در نسخه آستان  
رضوی نیست و نسخه های مهدوی و دانشکده ادبیات و دانشگاه تهران همین خاتمه  
است و بس.  
در این خاتمه آمده است که من پنجاه سال دارم و سی و دو سال خدمت دیوان  
کرده ام (ص ۷ نسخه مهدوی).

اینک چهار نسخه دیگر این رساله را در اینجا می شناسیم:

۱ - نسخه آستان رضوی شماره ۵۸۳۳ به خط نستعلیق و شکسته ۱۳۰۰ در

۲۲ برگ به اندازه وزیری بزرگ.

دوست دانشمند آقای تقی بینش در فهرست شهرستانها بخش فهرست الفبائی

نسخه های آستان رضوی (ص ۹۳۸) و در نامه ای که به نگارنده نوشته است آن را

برای من به تفصیل شناسانده است.

آغاز آن چنین است : بسمله. الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطيبين الطاهرين و حجج الله النهي الميامين سيما على امير المؤمنين . . . و بعد چون رای عدالت پیرای ممالك آرای یکتا گهر دریای وجود و موجود پرورنده نهال جود السلطان الاعظم و الخاقان الافخم مروج شرع الرسول و متعلقه زوج البتول و المحب الحسنین لانها الاحد عشر (!؟) الذین هم شفعاء (مانند آغاز نسخه شاهنشاهی)

انجام آن : باب دهم، بعد از تأکید جدید اجمالی برای تکمیل شرایط اجرای قانون مقدس به نحوی که دولت را اطمینان حاصل شود ... در این موقع مناسب و بلکه از مقتضیات اقبال بی همال همایون به نظر آورد که همان رساله را خاتمه کتاب قرار دهد تا کاملا از ملاحظه نظر عدل پرور همایون بگذرد و زیور کمال یابد...

۲- نسخه دانشمند گرامی دکتر اصغر مهدوی<sup>۱</sup> به نستعلیق ۱۰/۱۲۹۷ در مشهد در ۸۴ صفحه ۱۶ سطری. در عنوان آن آمده است « از جناب مستطاب مستطاب میرزا سعید خان مؤتمن الملك وزیر امور خارجه كه در سال ۱۲۸۴ تا سنة ۱۲۸۵ نوشته اند » در هامش ص ۲ چنین نوشته شده است : « این رساله شریفه از اثر خامه مرحوم مغفور خلد آشیان میرزا سعید خان مؤتمن الملك وزیر دول خارجه رحمه الله ، از جنت مکان رضوان آرامگاه مرحوم مغفور پدر بزرگوارم رحمه الله علیه به جهت این بنده ارث و یادگار مانده است . سیکون لغير [ی] انا العبد علی بن اسمعیل عماد الكتاب آشتیانی طاب ثراه، شنبه ۲۵ شهر صفر ۱۳۱۸ » بامهر « علی حبه جنة ۱۲۴۷ » که در پایان هم دیده میشود .

در این رساله بحث میشود از اطمینان و امنیت و صحت و منع رشوه و پرهیز از پیشکشی و از شایستگی و آگاهی و دانش کارکنان دولت و تخفیف در مخارج دولتی یا صرفه جویی و از گرفتن خالصجات از دست حکام و از بازرگانی و کشاورزی و پیشه و هنر و ازدقت در وصول مالیات و ایجاد مدارس برای پرورش کارکنان دولت.

---

۱- از آقای دکتر مهدوی و سرکار خانم دکتر همای ناطق بسیار سپاسگزارم که تصویری از این نسخه در دسترس نگارنده گذارده اند .

در آن آمده است که اساس دولت ایران : قشون است و آبادی و نظم و علم .

آغاز : بسمله

در جهان شاهی و ما غافل در قدح جرعه‌ای ما هشیار

سرمایه عمر عزیز را بسی تلف دادیم و زمان فرصت را بسیاری به تیر بطالت هدف نمودیم رخسار شاهد مقصود از پس پرده چه بسیار به ما نمودار شد و ما به نجاهل گذشتیم و غمزهای فتانش به چه غمازی ما را به پیش خواند و ما قدمی پیش نرفتیم .

انجام : و این اشخاص بی وقوف شبانه روز خود را صرف ادای تکلیف کرده به اصلاح چرخها مشغول شوند گاهی ریسمان ناصاف ناموزونی از چند جا پاره شده و گره خورده از چرخ و دوک در آورده جمع نمایند و برای اینکه چرا دیرباید شد صدمات از مأمورین انجام این کار ببینند ، ۱۰ ربیع الاول ۱۲۹۷ در مشهد استنساخ شد .

۳- نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات تهران شماره ۱۰۱/۲ د نوشته رجب ۱۳۰۰ در ۸۶ پ- ۱۷۰ پ (فهرست ۱: ۳۲۰- منزوی ۱۶۱۲)

آغاز آن مانند نسخه‌های مهدوی و بخش دوم نسخه شاهنشاهی است و انجام آن چنین است : من آنچه باید بگویم گفتم حال وقت تحقیق شماست والسلام خیر ختام (حرر فی شهر رجب المرجب ۱۳۰۰).

۴- در جنگ شماره ۶۵۱۷ دانشگاه تهران نو نویس پس از ۱۲۹۰ ص ۵۸۹- ۶۵۴ «کتابچه ایست از خیالات مرحوم میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه طاب الله ثراه» و آن تنها خاتمه کتاب انصاری است، آغاز آن درست مانند آغاز بخش دوم نسخه شاهنشاهی و آغاز دو نسخه ادبیات و مهدوی و انجام آن چنین است : «حرکات چرسی و بنگی را کنار بگذار والا چیزها حاضر کرده داریم اگر منتشر بکنیم از خجالت سراز خانه بیرون نخواهی آورد . و این نسخه پانصد نسخه نوشته شده است به هر ولایت هم منتشر خواهد شد»

## رساله‌ای دیگر گویا از همان نصاری یادگیری

در جنگ اسناد دولتی نسخه کتابخانه وزارت امور خارجه که به گواهی مرآة الممالك در ۱۳۳۰ به اطاق اسناد گذارده شده است و ۳۹۶ برگ دارد (فیلم ۳۶۸۹ و عکس ۶۲۶۷ دانشگاه تهران یادشده در فهرست ۲: ۲۲۶) درص ۱۳۰-۱۴۳ رساله مانندی است در ۲۷ ص ۱۵ س به خط نستعلیق درباره لزوم قانون و نظم و مؤلف آن می نویسد که من بیست و دو سال خدمت دیوان کردم و ده سال به کارگذاری وزرا کسب اطلاع و اعتباری نمودم و دوازده سال سربرخاک پای مبارک سودم و جز برخاک آستان همایون دیده به جایی نگشودم اکنون سال بیست و سوم شاهی پادشاه است (سال ۱۲۷۶). از سخنان او برمیاید که در این تاریخ تولیت آستان رضوی را داشته است.

در آن یادشده است از یک صد و پنجاه و پنج سال پس از یک هزار و یک صد و بیست و یک که دولت روس بنای رسم و قانون گذارده است و این میشود سال ۱۲۷۶. اگرچه بیست و سومین سال پادشاهی ناصرالدین شاه ۱۲۸۶ است. همچنین یاد میشود در آن از وزارت سپهسالار و دوازده سال پس از میرزا آقاخان و از رشته‌ای که میرزاتقی خان بنا گذاشته و از وزارت میرزاتقی خان که از احکام نویسی به امارت رسیده است.

میدانیم که مؤتمن الملک انصاری از ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۷ متولی آستان رضوی بوده است (فهرست آستان رضوی ۴: ح دیباچه - راهنمای آستان قدس رضوی ص ۲۳۱) پس این رساله نباید از او باشد چه در تاریخ ۱۲۷۶ میرزا سید محمد حسین حسینی عضدالملک قزوینی و در سال ۱۲۸۶ میرزا محمد حسین دبیرالملک متولی بوده‌اند. اگرچه این رساله با قانون ناصری انصاری بسیار نزدیک و همانند است. این رساله در چهار رکن است:

۱- مالیات و تطبیق مداخل و مخارج دولت

۲- نظام قشون و پیروی از قواعد و قوانین دول فرنگستان در این نظام.

۳- ترفیه رعیت و ازدیاد ثروت و صناعت و تجارت

۴- قرار پو لیتیک دولت و رسوم و آداب خارجه در طریقه و داد و اتحاد با دول

همسایه و هم جوار .

سپس خاتمه ایست در یاد کردن نصایح خاقان مغفور به ولی عهد مبرور سپس يك نامه به شاه بایادی از معشوش کاری های حاجی میرزا آقاسی و اینکه چون اکنون از عتبه بوسی آستان همایون نو میدم و کار کشور را نیز آشفته دیدم ناگزیر به پاس حقوق نعمت خداوندی این مطالب را به اختصار در اینجا آوردم .

آغاز : بسمله و نستعین ، الحمد لله الذی [ هو ] علیم بذات الصدور و یحب الصادقین . . . اما بعد چون عمری این بنده بی مقدار در این عالم به فرزندگی و چاکری آستان همایون که بهشت جهان و نعمت جاودان است سرفراز بودم و با خدام دربار کیوان مدار دم ساز ، عطاها بردم خطاها کردم مرحمتهای دیدم به نعمتها رسیدم . . . و اکنون که از آن نعمت عظمی دور و به خدمت آستان ملایک آشیان ثامن الائمة . . . علی بن موسی الرضا . . . نامورم با خود اندیشیدم که اینک که عهد شباب فراز آمده و فراز عمر به نشیب رسیده . . . لازم دید که شطری از حالت دولت ولی نعمت را که در این مدت بران اطلاع حاصل نموده و ارکان پایه سریر سلطنت مکتوم میدارند . . . به عرض برسانم .

انجام : لهذا بر سبیل اختصار به عرض آن پرداخته خاطر بیضا ما اثر را متذکر ساخت . امر امر همایون است .

\*\*\*

در پایان این گفتار از چند رساله دیگر که نزدیک به قانون ناصری است یاد می کنیم تا مگر کسانی را که در پی تاریخ مشروطیت ایران هستند بکار آید:

۱- در آستان رضوی رساله ایست که در فهرست آنجا ( ۶ : ۴۴۶ ) به عنوان «علم الاخلاق» آمده و از ملک یوسف شاه نظر شاپوریان است که شاید از منی نو مسلمانی

باشد و او آن را در سال ۱۲۷۸ بنام ناصرالدین شاه در سفر خود ساخته است.  
گمان دارم برای پی بردن به اندیشه سیاسی دانشمندان آن روزگار سودمند باشد  
(منزوی ۱۵۲۳)

۲- رساله‌ای گویا به نام روح الاسلام یا صراط مستقیم به پرس میرزا ملکم خان  
نظام الدوله (۱۲۴۹-۱۳۲۶) نسبت داده‌اند که در آغاز آن سرگذشت پیامبر اسلام  
آمده و نبوت خاص او هم در آن اثبات و پس از آن از سیاست کشوری گفتگو  
شده است. مطالب سیاسی آن گویا نزدیک است به آنچه در رساله انصاری  
می‌بینیم. در رساله تاریخ مشروطیت مورخ ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ نسخه کتابخانه ملک  
شماره ۳۶۷۷ نوشته ج ۱/۱۳۲۸ در تهران (ص ۹۱ فهرست فارسی-منزوی ۴۲۷۲)  
اشارتی به اثبات نبوت خاصه و مدنیت و ناموس و اخلاق شده است و شاید آن هم  
با رساله ملکم پیوستگی گونه‌ای داشته باشد.

ملکم این رساله را در ۱۲۸۰ سال پس از مرگ پیامبر (۱۲۹۱) ساخته است  
و من از آن شش نسخه می‌شناسم:

الف - شماره ۴۰۳۲/۲ مجلس که در فهرست (۱۱: ۲۶) شناخته نشده است.  
به خط نستعلیق میرزا مؤمن خان منشی کاشانی است در ۱۲۹۷ در برگ‌های ۱۵ تا ۹۷ و  
نام آن در دیباچه این نسخه «صراط مستقیم» است.

ب- نسخه شماره ۱۰۱/۱ د دانشکده ادبیات تهران در برگ‌های ۳ پ تا ۸۴  
و نوشته ۱۳۰۰ (فهرست ۱: ۳۱۹-منزوی ۱۶۱۳) آن را مهدی پسر نبی نوری در  
ع ۱۳۳۳/۲ داشته است.

آغاز آن مانند نسخه‌های همدان و ملک است بدینگونه: خدمت ارباب عقل  
و دانش که به مقتضای فطنت در امور آفرینش تأمل و تفکر و تعقل می‌فرمایند معروض  
میدارد که نگارنده این اوراق عبدذلیل غیر مرغوب ملکم بن یعقوب از وقتی که دیدار  
بصیرت گشود مایل به علم حکمت و عرفان شد... و در پیش خود فخرها می‌کرد  
چنان می‌پنداشت که حقایق اشیاء مطالب علیار... دریافته است.

(آنگاه پس از هفت صفحه در نسخه همدان:) و جمعی که انبیاء نام داشتند اغلب را دارای این مقصود دیدم و در حالات ایشان خوض کلی کردم در بعضی این حالت قوی و در بعضی ضعیف بود تا به صاحب ناموس اعظم عقل کل خانم پیغمبران محمد بن عبدالله قریشی ... رسیدم او را سپهسالار خیل انبیاء دیدم ... جواب از فقره اول آنکه از زمان رحلت آن بزرگوار تا اکنون که یک هزار و دوویست و هشتاد سال است.

انجام آن افتاده و چنین است: از عبدالرحمن بن عوف به تضرع درخواستند که ابو جهل را به ایشان بنماید عبدالرحمن ابو جهل را بدیشان نمود پس مانند شاهین به جانب ابو جهل پرواز کردند صف بنی مخزوم را

ج- در جنگ شماره ۶۵۱۷ دانشگاه در ص ۲۶۳ تا ۵۱۹ که در ج ۱۳۲۲/۲ نوشته شده و دیباچه نسخه های ادبیات و همدان را ندارد و بدینگونه آغاز میشود: «شرح حال حضرت رسول الله محمد بن عبدالله خانم النبیین و هو محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب ابن هاشم ابن عبدمناف از قبیله قریش و از اولاد حضرت اسماعیل ... آباء و اجداد آن بزرگوار بر قبیله قریش بزرگ و فرمان روا و متولی خانه خدا که مکه معظمه است بودند و بر شریعت حضرت [ابراهیم] رفتار می نمودند و همه ایشان خدای پرست و صاحب عقل و کفایت و معروف به قوت و مروت بودند».

سرگذشت پیامبر در اینجا پایان می پذیرد و آنگاه چنین آغاز میگردد: «این قانون احسن را تسهیل معاش نام می گذاریم» (۴۸۸)

او می گوید که در قانون پیامبر اسلام چهار اصل است که هر یک در علم سیاست مدنی رکنی یا پایه ای استوار و منشأ امور بدنی و نظام جهان و معاش و زندگی جان داران به شمار می آید. همچنین می گوید (ص ۴۸۸) که این اوراق محتوی بردو باب است:

باب اول در تسهیل معاش

باب دوم در تکمیل نفس



باب اول در چهار فصل که هر يك ركنی از چهار ركن نظام عالم است و

سیاست مدن:

فصل ۱ ركن ۱ در اطمینان (۴۸۸)

فصل ۲ ركن ۲ در اختیار و آزادی (۵۰۰) در بدن و زبان و قلم و خیال و

کسب و جماعت

فصل ۳ ركن ۳ در مساوات (۵۰۶)

فصل ۴ ركن ۴ در امتیاز فضلی (۵۱۰)

چنین است انجام آن: بقية السیف و باقی ماندگان قریش از برق و باد سرعت

سیری عاریت گرفته به جانب يك دیگر گریختند و حال عار و شمار بر رخسار نامیمون

خود نهادند (درست مانند نسخه همدان).

نویسنده نسخه در این جا می گوید که اصل این کتابچه ناقص بوده و این

نسخه درج ۱۳۲۲/۲ نوشته شده است. سپس کاظم آشتیانی در همین جا می نویسد

که او (نویسنده نسخه) مرحوم میرزا... (بریده شده) است که سال گذشته (۱۳۴۰)

در قبر یزد در گذشته است.

د- نسخه کتابخانه غرب مدرسه آخوند در همدان شماره ۴۷۷۱ (فهرست

شهرستانها ص ۱۲۴۱) که محمد تقی بن محمد همدانی در ۱۲ صفر ۱۳۳۶ آن را به

خط شکسته نستعلیق نوشته است. پایان آن چنین است: «تمام شد کتاب اثبات

ثبوت حضرت خاتم محمد بن عبدالله از تصانیف پرنس میرزا ملکم خان نظام الدوله

صاحب کتاب اصول آدمیت و غیره» آغاز آن درست مانند نسخه ادبیات و انجام

آن درست مانند نسخه دانشگاه میباشد.

ه- نسخه کتابخانه ملك شماره ۲۰۲۸ نوشته ۱۲۷۶/۱۶ در تفلیس در ۷۳

برگ بنام روح الاسلام و ساخته در ۱۲۷۹ (گویا پس از مرگ پیامبر) آغاز آن

مانند نسخه های ادبیات و همدان است و انجام آن چنین است: «به جانب مکه

گریختند.»

و- نسخه شماره ۱۳۷ فیروزدرمجلس که در فهرست (۲۱: ۱۳۵-۱۳۸) دربار ۵ آن سخن به میان آمده است (به خط شکسته نستعلیق با حاشیه‌های «منه» که در نسخه ۴۰۳۲/۲ در متن گذارده شده است).

۳- رساله سیاست علی بن محمد تبریزی گویا همان مؤلف پاسخ به رساله فراموش‌خانه ملک، به نام ناصرالدین شاه در ۱۲۸۳ در تطبیق کردن اوضاع ایران با اوضاع کشورهای اروپایی و راههای اصلاح و تقویت امور سیاسی که از آنها است ایجاد مدارس و عدالت‌خانه (منزوی ۱۵۵۱ و ۱۶۵۱) نسخه آن در کتابخانه ملک است به شماره ۲۳۴۹ به خط شکسته نستعلیق فرج‌الله در ذق ۱۲۸۷ در ۲۲ برگ.

۴- کلمه نصیحیه در سیاست مدنی بر اساس اسلام و تمدن اروپایی و مؤلف در آن میگوید که من از خود نام نمی‌برم و چند کلمه نصیحیه برای هم‌میهنان خود می‌آورم. او در ۱۲۹۲ آن را ساخته است و هیچ‌گونه تقسیم و بخش‌بندی هم در آن دیده نمی‌شود، در نیمه دوم آن مقبوله عمر بن حنظله به عنوان «روایت صحیح» درباره فقیهان شیعی «وامان کان من العلماء صائنا لنفسه حافظا لدينه ومخالفا لهواه و مطيعا لامر مولاة فللعوام ان يبلدوه» به تفصیل گزارش شده و آیه‌های قرآن در آن بسیار آمده و در آغاز آن از کورش یا بهمن پسر اسفندیار و از تاریخ ابوالفداء یادگشته است.

برخی از تعبیرات گروه بابی و بهائی در آن دیده میشود ولی مؤلف آن تا اندازه‌ای از سبک درست فارسی نویسی بیرون نرفته اگرچه اندکی عربی مآبی کرده است و رویهم‌روش نویسنده‌گی آن مانند دیگر متنهای فارسی آن گروه نیست. گفته شد که این رساله گویا از عبدالبهاء عباس افندی (۱۲۶۰-۱۳۴۰) پسر میرزا حسین علی‌بهاء تا کوری نوری (۱۲۳۳-۱۳۰۹) باشد و شاید همان الاسرار الغیبیه لاسباب المدینة او که دوبار در بمبئی یکی بسال ۱۲۹۹ در ۱۰۱ ص و دیگری بسال ۱۳۱۰ در ۱۵۴ ص بادیباچه مرتضی حسینی برغانی چاپ سنگی شده است.

همانکه داود یوحنا Dawvd Johanna آن را به نام Mysterious Forces of Civilization in Persian by an eminent philosopher and now First put into English

ترجمه کرد. و آن هم در لندن بسال ۱۹۱۰ در ۲۴۲ ص چاپ شده است.

از نسخه دیگری بنام «الرسالة المدنية الصادرة في سنة ۱۲۹۲» که در تاریخ با این رساله مایکی است چاپ شیخ فرج الله مریوانی در «مطبعة كردستان العلمية» در ۱۳۲۹ در ۱۴۱ ص هم یاد کرده اند.

از این رساله چند نسخه ای در دسترس هست یکی در کتابخانه ملك بشماره ۷۳۲ به خط نسخ سده ۱۳ در ۶۵ برگ، دیگری شماره ۲۹۴۰ مجلس (۱۰:۳۱۱) سومی شماره ۵۰۲۸ همانجا (۱۴:۳۳۳) چهارمی بگفته دوست دانشمند آقای عبدالحسین حایری در همانجا و فهرست نشده است پنجمی در مجموعه موزه بریتانیا Or 8117 رساله بکم مورخ ۱۳۲۸ در ۶ برگ.

نسخه های خطی و چاپی آن جلد یکم است جز شماره ۲۹۴۰ مجلس که در دنبال آن پنج صفحه ای از آغاز رساله است گوید در همین زمینه مگر اینکه به انشاء دیگری است و به فارسی سره و ناتمام و شاید هم با این یکی پیوندی نداشته باشد<sup>۱</sup>.

۵- سیاست مدن از محمد علی طباطبائی حکیم ذوفنون که بنام ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳) در چهارده مساله اجتماعی ساخته و میگوید که سه مساله آن:

۱- محاکمه و بررسی در تاریخ و عقاید و احکام باب و بهاء از دکتر ج. م. ت چاپ سوم ص ۲۷۶- مراد مطالعه و بررسی کتب بابی از برون به انگلیسی چاپ ۱۹۶۱ ص ۱۷۸ و ۱۹۵- فهرست موزه بریتانیا از مردیت اونس ص ۳۵- فهرست کتابهای فارسی چاپ سنگی در بنیاد خاورشناسی فرهنگستان شوروی در لنینگراد از شگلوا به روسی چاپ ۱۹۷۵ مسکو شماره ۴۳۴ و ۴۳۵- فهرست فارسی مشار ۱۷۷۶ و ۸۲۸ و ۱۲۹۵- منزوی ۱۶۱۲ و ۱۷۳۳- به مقالات برون در مجله آسیایی هم نگریستم و یادی از این کتاب نیافتم.

پادشاه ، مرد عاقل کامل ، وزیر و کار او ، به رسالت محسن میرزا به نزد شاه فرستاده شده است (منزوی ۱۹۳۶) .

نسخه آن در کتابخانه ملی تهران است به شماره ۶۹۶ و گویا اصل ( فهرست انوار ۲ : ۲۰۲ ) .

محسن میرزا که در اینجا یاد شده است باید همان محسن میرزای میراخویر فرزند عبد الله میرزای دارا و درگذشته ۱۲۹۲ باشد (بامداد ۴ : ۱۸۰) پس این رساله

باید پیش از ۱۲۹۲ بنگارش درآمده باشد .

آنها پیش از انتشار در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

نگارنده این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

تاریخ نگارش این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

تاریخ نگارش این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

تاریخ نگارش این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

تاریخ نگارش این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

تاریخ نگارش این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

تاریخ نگارش این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق

تاریخ نگارش این رساله در تاریخ ۱۲۷۷ هـ ق : ۱۲۷۷ هـ ق